

کریسمس

وقتی سخن از عید میلاد مسیح، یا همان کریسمس، به میان می‌آید، معمولاً به یاد لحظاتی شاد و پرزرق و برق می‌افتیم، به یاد چراغانی‌های خیابانها و ویتترین فروشگاهها. ایام کریسمس و سال نو برای افرادی که از رفاهی نسبی برخوردارند، روزهای شادی به نظر می‌رسد. اما آیا واقعاً نخستین کریسمس، زمان ولادت مسیح، نیز چنین بود. در این مقاله، نگاهی به واقعیت‌هایی خواهیم انداخت که در روایات انجیل‌ها در خصوص این رویداد مهم ذکر شده است.

دختری نوجوان را تجسم کنید که در عقد جوانی به نام یوسف بود. این دختر در شهرکی به نام ناصره زندگی می‌کرد که از قضا، شهرت خوبی هم نداشت. روزی جبرائیل، فرشته مقرب خدا، بر او ظاهر شد و خبر حیرت‌انگیزی به او داد. فرشته به او گفت: “ای مریم، مترس! لطف بسیار خدا شامل حال تو شده است. اینک آبستن شده، پسری خواهی زایید که باید نامش را عیسی بگذاری.” مریم از فرشته پرسید که چگونه چنین چیزی ممکن است، زیرا هرگز با مردی نبوده است. جبرائیل او را مطمئن ساخت که او به واسطه قدرت روح القدس آبستن خواهد شد. در اینجا، مریم با تسلیم به اراده خدا و با فروتنی گفت: “کنیز خداوندم. آنچه درباره من گفتی، بشود.” (بر اساس انجیل لوقا ۱: ۲۶-۳۸). مریم سرودی زیبا با الهام از روح القدس سرآید و در قسمتی از آن گفت: “زین پس، همه نسلها خجسته‌ام خواهند خواند، زیرا آن قادر که نامش قدوس است، کارهای عظیم برایم کرده است.” (انجیل لوقا ۱: ۴۸-۴۹). و به راستی نیز که چنین است. همه مردمان در طول تاریخ، مریم را خجسته خوانده‌اند، به خاطر افتخاری که نصیب او شد. او به اراده خدا تسلیم شد و گفت که کنیز خداوند است.

اما این افتخار و شادی همراه بود با مشقت‌های فراوان. اطاعت از خدا و تسلیم شدن به اراده او، برای مریم به بهایی گران تمام شد. او چگونه می‌توانست به خانواده و خویشان و همسایگان خود ثابت کند که این آبستنی از روح القدس است و او پاکدامنی خود را حفظ کرده است؟ چه کسی حرف او را باور می‌کرد؟ مریم احتمالاً دچار تنش درونی شده بود، اما مصمم بود از اراده خدا اطاعت کند. وقتی یوسف، نامزد عقدی مریم، از ماجرا باخبر شد، دچار تردید گردید و تصمیم داشت عقد خود را با مریم برهم بزند. او نیز سخن مریم را باور نکرد. این چه رنجی برای مریم به همراه داشت! اما یوسف به حکم فرشته خداوند که در خواب بر او ظاهر شد، دانست که این بارداری از روح القدس است و مریم را به زنی گرفت و در پناه خود قرار داد.

فکر می‌کنید مریم و یوسف چه احساسی داشتند؟ آیا برای مریم، اطاعت از خدا و تسلیم شدن به اراده او آسان بود؟ آیا نمی‌بایست ننگی را که ممکن بود در جامعه بر او گذاشته شود، بپذیرد؟ باید بدانیم که انجام اراده خدا و تسلیم شدن به اراده او مشقت به همراه دارد.

وقتی ماهها از بارداری مریم گذشت، او و یوسف می‌بایست برای شرکت در سرشماری رومی‌ها، به شهر آبا و اجدادی خود بروند. به همین منظور، با اینکه مریم احتمالاً در روزهای آخر بارداری‌اش بود، رنج سفر را بر خود هموار کرد و به همراه یوسف به شهر بیت‌لحم رهسپار شد. در آنجا وقت زایمان مریم فرارسید. اما جایی در شهر نیافتند، و ناگزیر فرزند خود را در آخوری به دنیا آوردند، دور از خانواده و

خویشان و یاران خود. نخستین کریسمس همراه با مشقت بود! انجام ارادهٔ خدا گرچه شادی روحانی به‌همراه دارد، اما خالی از مشقت و سختی نیست. اما این رنج و سختی در آسمان پاداشی عظیم به‌ارمغان خواهد آورد.

بعد از تمام این مشقات، مدتی پس از ولادت عیسی، فرشتهٔ خداوند در خواب به یوسف گفت که به مصر بگریزد، زیرا پادشاه ظالم وقت که از ظهور پادشاهی آسمانی آگاه شده بود، قصد قتل او را داشت. بدین‌سان، یوسف و مریم در سرزمینی غریب، آواره شدند. چه مشقتی! انجام ارادهٔ خدا با مشقت همراه است، اما پاداشی ابدی به‌همراه می‌آورد.

نخستین کریسمس، برخلاف آنچه در روزگار ما جشنی شاد و پرزرق و برق است، برای یوسف و مریم آکنده از سختی و مشقت بود. انجام ارادهٔ خدا برای ایشان آسان نبود، برای ما نیز نخواهد بود. از یاد نبریم که همین مریم که با چنین سختی‌ای، نجات‌دهندهٔ بشریت را به‌دنیا آورد، در آخر می‌بایست شاهد مرگ جگرگوشهٔ خود، به فجیع‌ترین شکل می‌بود. اما سرانجام، وقتی عیسی در روز سوم پس از مرگش، زنده شد و از مردگان برخاست، اشک غم از چشمهای او زودده شد و دانست که رنج و مشقتش چه ثمر جاویدانی برای بشریت به‌ارمغان آورده است.